

چه سرسبز بود دره من

## استراق سمع و بصر



شاپور عظیمی

بهمین ماه ۱۳۸۶، بیست و پنجمین دوره جشنواره فیلم فجر برگزار شد. بر اساس همان فرمول جادویی همیشگی که سال‌ها و در دوره‌های مختلف جشنواره به اصطلاح جواب داده بود، طبعاً سینمای ایران در اولویت و فیلم‌های خارجی در درجه دوم اهمیت قرار داشتند. در آن سال فیلم «سیاه» ساخته سانجی لیلا بهانسالی در بخش آثار خارجی جشنواره به نمایش درآمد. فیلم سیاه، در واقع براساس سنتی دیرینه در سینمای هند ساخته شده که همان اقتباس و «هندی کردن» آثار خارجی است. گفتنی است آنها نسخه هندی

بنجامین باتن را هم ساخته‌اند! سانجی لیلا بهانسالی کارگردان سیاه این فیلم را براساس زندگی هلن کلر و فیلم آرتور پن به نام «معجزه گر» ساخته اما موقعیت و شخصیت‌ها را دگرگون می‌کند. این بار نقش معلم به مردی سپرده شده که ظاهراً استانداردهای معلمی را ندارد اما موفق می‌شود. آقای معلم در این میان ابزار عشق ناگهانی شاگردش را نمی‌پذیرد و او را برای همیشه ترک می‌کند. سال‌ها بعد، آن دختر به آدم موفقی بدل شده است و حالا دنبال معلم خود می‌گردد که اکنون سالخورده و در مرکزی



سانجی لیلا بهانسالی

نگهداری می‌شود و حافظه‌اش را از دست داده و شاگردش را به‌جا نمی‌آورد. بهانسالی سال‌ها پیش از فیلم سیاه، فیلم دیگری به نام «خاموشی» در مورد خانواده‌ای کر و لال ساخت. او ۳ سال پیش از فیلم سیاه، «دوداس» را با سرمایه‌های کلان ساخته بود که با موفقیت جهانی روبه‌رو شده بود. سیاه اما، فیلم ساده‌ای است با بازی ماندگاری از آمیتاب باچان و البته رانی موکرجی که مانند فیلم آرتور پن، داستان را با نمایش نخستین عکس‌العمل‌های هلن کلر و درک او از جهان پیرامونش به پایان نمی‌رساند، بلکه ترجیح می‌دهد به شخصیت اصلی بپردازد و به معلمی که حالا به نسخه‌ای قدیمی از شاگردش بدل شده و هیچ شناختی از جهان اطرافش ندارد.



نمایی از سریال هزار دستان

## علی نصیریان بار دیگر ما را به چالشی دیگر فرامی‌خواند

# از خاک حاصلخیز صحنه سنگلج

علیرضا محمودی

بازیش در نقش قاضی شارح در تلویزیون و میرزا نوروز در سینما در میان مردم نقل محافل است. هنوز دیالوگ شبانه ابو الفتح به رضا و ایرال می‌شود و گفت‌وگوی مظفرالدین شاه با کمال الملک می‌چرخد. هنوز شکل انتقامش با کوبیدن مجسمه شاه بر فرق حسین پرورش را به یاد می‌آورند و هم انتظار بی‌سرانجامش برای ملاقات با شاه را در روز باشکوه. اوج این همه شکوه وقتی رقم خورد که نصیریان و انتظامی به لطف و سترن عشایری مسعود جعفری جوزانی و فیلمنامه تراش خورده سعید مطلبی روبه‌روی هم قرار گرفتند. داوران پنجمین جشنواره فیلم فجر از میان انتظامی برای عباس آقای اجاره‌نشین‌ها و نصیریان برای آقا علی‌یار، جایزه را به داریوش ارجمند تازه‌نفس دادند تا خود را از سر گیجه انتخاب بین اتفاقات ایجاد شده توسط بازیگران اداره تئاتر خلاص کنند.

دهه ۷۰ دهه مهاجرت و کم‌کاری نصیریان با پرکاری دهه ۸۰ جبران شد. نصیریان در ششمین دهه زندگیش پرکارترین بازیگر بین هم‌نسل‌های خود بود که اغلب کم‌کار و گزیده‌کار و بیکار شده بودند. در میان انواع فیلم‌سینمایی و تله‌فیلیم و سریال که در این دهه بازی کرد با بازی در نقش اول سریال مناسبی میوه ممنوعه شهرت فراموش‌شده‌اش را در میان مردم احیا کرد. احترامی که از به کار بردن کلمه ارزنده به کلمه استاد تغییر کرده بود.

در دهه ۹۰ علی نصیریان نخستین بار برای فیلم مسخره‌باز جایزه نقش مکمل گرفت. او روی صحنه روبه‌حاضران اختتامیه سی و هفتمین دوره جشنواره فجر از اینکه او را دوم توصیف کردند، گلایه کرد. حرفی که باعث شد همه، تاریخ جشنواره را دوباره مرور کنند. واکنش به این مرور جایزه سال بعد برای فیلم هنوز اکران نشده هفت‌بهار نارج بود.

علی نصیریان باز به جشنواره برگشته و دوباره با فیلمی دیگر ما را در برابر چالش بازیگران اداره تئاتر قرار داده. از چهره‌های شاخص اداره تئاتر او هنوز صحنه را گرم نگه داشته است. برای من ام‌سال علی نصیریان یادآور دورانی از نوجوانی است که به پیشنهاد معلمی برای تمرین فیلمنامه‌نویسی نمایشنامه ایرانی می‌خواندم. انتشارات زمان نمایشنامه‌های اکبر رادی را در طراحی یکسانی مسلسل تجدید چاپ کرده بود. یکی از این نمایشنامه‌ها افول نام داشت. نمایشی درباره یک خانه اربابی که مهندس مدرن روستا با ارباب سنتی که پدر زنش هم هست، تضاد و تفاوت داشت. انتظامی و خوروش و نصیریان به کارگردانی نصیریان این نمایش را در تالار سنگلج سال ۱۳۴۹ به همراه تعدادی از بازیگران تئاتر ملی روی صحنه برده‌اند. نصیریان در این نمایش نقش جهانگیر معراج را بازی کرده بود. سنت همیشگی نبود، اما انتشارات زمان عکس‌هایی از آن اجرا در انتهای کتاب با فهرست بازیگران و نقش‌ها ضمیمه کرده بود. در سال‌هایی که نصیریان با نقش‌های گوناگون سینمایی برای خودش اسم و رسمی داشت. تماشای عکس‌های نمایش افول برای من همیشه یادآور جمله‌ای کلیشه‌شده بود: آنها خاک صحنه خورده‌اند.



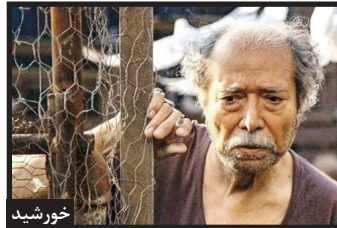
آقای هالو



کفش‌های میرزا نوروز



جاده‌های سرد



خورشید

ابوالحسن تهامی در میان انبوه آونوس فیلمفارسی که گفته در اندک فیلم‌هایی که علی نصیریان بازی کرده یک جمله تکراری را برای توصیف او به کار می‌برد. بازیگر ارزنده تئاتر. تأکید روی ارزندگی بازیگران تئاتر نسبت به بازیگران سینما به مناقشه ریشه‌داری برمی‌گردد که از مناسبات اداری بر خاسته از اداره تئاتر از ادارات وزارت فرهنگ و هنر در خیابان پارس سرچشمه می‌گیرد. اداره‌ای که علی نصیریان مدیر و سال‌ها آدم اولش بود. وقتی وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳ با وزارت اول و آخری مهرداد پهلبد تعداد قابل توجهی بازیگران تئاتر به‌عنوان کارمند اداره تئاتر استخدام و حقوق بگیر این مجموعه شدند. این بازیگران بدنه هنری نمایش‌های تله‌تئاتر‌هایی بودند که پای ثابت برنامه‌های تلویزیون ملی ایران محسوب و به‌صورت زنده از استودیو اجرا و پخش می‌شد. انشقاق بازیگران همچون خوانندگان بدون مسئله نبود. وقتی با تاسیس رادیو، خوانندگان رادیو را پیرنیا برای گله‌ها دستچین کرد باعث شد که خوانندگانی که محل عرضه آثارشان در اجراهای زنده باشد، مسیر دیگری را در حرفه خود پیش بگیرند و همین جدایی‌ها زمینه بروز تعریف‌های تازه در حرفه‌های هنری شد. بازیگران تئاتر برای انتخاب خود شأن و منزلتی قائل بودند و این شأن را دلیل حضورشان در ساختمان خیابان پارس می‌دانستند و غیبت در تماشاخانه پارس لاله‌زار منهدم شده.

وقتی در دهه ۱۳۴۰ ستارگان سینما شهرتی فراگیر را برابر کمتر دیده‌شدن بازیگران تئاتر در جامعه هنرپیشگی ایران راه انداختند، تمایز بازیگری علمی و مبتنی بر آموزش در برابر بازیگری حسسی و مبتنی بر غریزه در مجلات هنری بحث داغی شد. وقتی داریوش مهرجویی به ایران آمد تا فیلم بسازد برای ساختن فیلم‌هایی که شبیه الماس ۳۳ نشود راهی اداره تئاتر شد تا بازیگران ۲ تله‌تئاتر معروف را برای ساخت فیلم سینمایی دستچین کند. علی نصیریان و عزت‌الله انتظامی شاخص‌ترین بازیگران تئاتر بودند که در میانه دهه ۴۰ با ایفای نقش اول فیلم‌های گاو و آقای هالو سعی کردند تا مرزهای نظری بازیگر را با ستاره به شکل عملی تبیین کنند. اقبال ستاره در تداوم ویژگی‌های شکل‌دهنده ستاره بودنش بوده است و شهرت بازیگر از توانایی‌های فراوانش برای ایفای نقش‌های مختلف.

در دهه ۵۰ نصیریان بر این اساس هم سرباز شد و هم ستار خان. هم مهرگیاه را بازی کرد و هم دایره مینا را. اما کولاک با انقلاب اتفاق افتاد. وقتی صحنه از تئاتر شهر تا سینما شهرقشنگ برای هنرنمایی بازیگران اداره تئاتر فراخ شد. همه بازیگران میانسال فیلم گاو بازیگران نقش اول فیلم‌های دهه ۶۰ شدند. نصیریان به کمک سابقه تئاتری و مهارتش در تحلیل شخصیت و حضور جوانان جویای نام و کارگردان خوشنام توانست مجموعه قابل توجهی از نمونه‌های بازیگری در سینمای ایران را ثبت کند. هنوز



روزنامه چهل و دومین  
جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

42nd  
FAJR INTERNATIONAL  
FILM FESTIVAL  
شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲ - شماره ۱۰